



A comparative study of divorce in Iranian and Egyptian laws Zahra Shahyari Heydarloo ^{a*}, ghader hafez ^b

^a Fourth level student of Al-Zahra University and doctoral student of the University of Religions and denomination

^b Assistant Professor of Qom University of Religions and Religions

KEYWORDS

Comparative Law,
alimony,
compliance,
don't burn
Egyptian family law

ABSTRACT

A wife's refusal to pay her husband's rights in the matter of enjoyment, which has juridical and legal effects. A comparative study of the laws of Egypt and Iran regarding divorce shows some differences in the conditions of divorce and its effects. This article examines this issue with descriptive-analytical method and library research. Iranian jurists have divided obedience into two categories, general and special, and they consider divorce as not complying with these two obediences. Although Egyptian jurists have not used the term subjugation and its divisions, but the examination of the examples mentioned for Neshuz shows that there is no difference between the examples of Neshuz and Iranian law. What has caused the difference is the conditions for the realization of Nashush and also the consequences of Nashush. The Islamic reasons for leaving the house without the husband's permission are less in Egyptian law than in Iranian law, so the possibility of the wife being considered unmarried in Egyptian law is higher, on the other hand, the consequences of unmarried in Iranian law are greater than in Egyptian law, and this makes it a deterrent to Neshouz is more in Iran than in Egypt.



* Corresponding author.

E-mail address: shahyarizahra@gmail.com

DOI: 10.22034/rtmr.2024.2019795.1038

Received: 2023/10/12; Received in revised form: 2023/11/3; Accepted: 2023/11/16

Article type: Research Paper

©Author





مطالعه تطبیقی نشوز زوجه در حقوق ایران و مصر

زهرا شاه‌یاری حیدرلو^{الف*}، قادر حافظ^ب

^{الف} طلبه سطح چهار جامعه الزهرا و دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب
^ب استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم

چکیده	واژگان کلیدی
نشوز زوجه خودداری او از ادای حقوق زوج در امر استمتاع می‌باشد که دارای آثار فقهی و حقوقی می‌باشد. بررسی تطبیقی حقوق مصر و ایران درباره نشوز زوجه، برخی اختلافات را در شرایط تحقق نشوز و همچنین آثار آن نشان می‌دهد. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی و با تحقیقات کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع می‌پردازد. حقوقدانان ایرانی تمکین را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرده‌اند و نشوز زوجه را عدم رعایت این دو تمکین می‌دانند. حقوقدانان مصری گرچه از اصطلاح تمکین و تقسیمات آن استفاده نکرده‌اند اما بررسی مصادیق ذکر شده برای نشوز نشان می‌دهد اختلافی در مصادیق نشوز با حقوق ایران ندارند. آنچه موجب اختلاف شده است شرایط تحقق نشوز و همچنین آثار مترتب بر نشوز است. موجهات شرعی خروج از منزل بدون اذن زوج در حقوق مصر کمتر از حقوق ایران است، بنابراین احتمال ناشزه محسوب شدن زوجه در حقوق مصر بیشتر است، از طرف دیگر آثار مترتب بر نشوز در حقوق ایران بیشتر از حقوق مصر است و این باعث می‌شود بازدارندگی از نشوز در ایران بیشتر از مصر باشد.	حقوق تطبیقی، نفقه، تمکین، نشوز، حقوق خانواده مصر
	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۰
	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۸/۱۲
	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۵

مقدمه

بررسی تطبیقی حقوق کشورها، مخصوصاً در کشورهایی که مبانی یکسانی دارند- هر دو بر فتاوی شرعی استوار هستند- موجب برجسته شدن نقاط قوت و ضعف حقوق کشورها شده، راه را برای پیشرفت در وضع قوانین باز می‌کند. خانواده از نهادهای مهم در اسلام است. هر کدام از کشورهای اسلامی بر طبق فقه اسلامی و همچنین نیازهای زمانه قوانینی را برای حفظ خانواده بنیان نهاده‌اند. یکی از مهم‌ترین مسائل برای حفظ خانواده، انجام تکالیف زناشویی توسط هریک از زوجین است. با عقد نکاح هر کدام از زوجین حقوقی پیدا می‌کنند که طرف مقابل متعهد می‌شود آن‌ها را انجام دهد. حکومت اسلامی برای انجام دادن آن‌ها باید ضمانت اجرایی طراحی کند و اگر زوج یا زوجه در انجام تکالیف خود کوتاهی کردند با برنامه‌هایی خاص آن‌ها را به انجام تکالیف خود بازگرداند.

این نوشتار بر آن است با بررسی تطبیقی قوانین موضوعه ایران و مصر درباره نشوز زوجه، نقاط قوت و ضعف قوانین هر کدام از کشورها را شناسایی کند و مشخص کند قوانین کدام کشور توانایی جلوگیری حداکثری از تخلف زوجه در وظایف زناشویی و در ثانی حفظ و صیانت خانواده از این جهت را دارد.

بررسی نوشتارهای موجود در موضوع خانواده نشان می‌دهد گرچه نوشتارهای مختلفی درباره ماهیت فقهی حقوقی نشوز

* نویسنده مسئول؛

زوجه نوشته شده است اما تا به حال پژوهشی در تطبیق حقوقی نشوز در قوانین ایران و مصر انجام نشده است. از آنجایی که مصر و ایران هر دو از کشورهای اسلامی هستند و کمابیش مبانی مشترکی دارند، تطبیق حقوق این دو کشور می‌تواند گام مهمی در روشن کردن نقاط قوت و ضعف حقوقی این دو کشور و همچنین به دست آوردن راه‌ها و قوانین برای حل مشکلات حقوقی در کشورمان ایران باشد.

مفهوم لغوی نشوز

نشوز در لغت به معنای ارتفاع و برتری از زمین است، یعنی هر چیزی که ارتفاع می‌گیرد و آشکار می‌شود (ازهری، محمدبن احمد، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۰۹). بنابراین عرب به هر چیزی که معنای بلندی و ارتفاع داشته باشد، نشز را به کار برده است مثلاً به مکان مرتفع نشز می‌گوید (جوهری، اسماعیل بن حماد، بی‌تا، ج ۳، ص ۸۹۹) همچنین زمانی که قلب انسان به خاطر ترس از مکانش بلندتر شود می‌گویند قلب ناشز (فراهیدی، خلیل‌بن احمد، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۳۲)

مفهوم اصطلاحی نشوز در ایران و مصر

برای تعریف اصطلاحی نشوز باید مفهوم آن را در فقه و حقوق ایران و مصر به دست آوریم.

فقه‌های شیعه در تعریف نشوز به دو دسته تقسیم شده‌اند برخی معنی نشوز را در زوجین یکی می‌دانند و می‌گویند نشوز به معنای خروج از طاعت می‌باشد، یعنی خروج یکی از زوجین از طاعت و حق دیگری که بر گردن دارد. به این کار نشوز می‌گویند زیرا فرد ناشز با خروج از حق دیگری، از آنچه خداوند بر او واجب کرده برتری می‌جوید. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۴۲۸ و نجفی، محمدحسن، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۲۰۰) اما برخی معنای نشوز زوج و زوجه را متفاوت می‌دانند و خروج از طاعت را تعریف نشوز زوجه می‌دانند و در تعریف نشوز زوج گفته‌اند وقتی مرد از زن کراهت داشته باشد و قصد طلاق او را کند و زن چنین نخواهد. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۵۰) در هر صورت هر دو دسته خروج زن از طاعت را تعریف نشوز زوجه می‌دانند.

در حقوق جمهوری اسلامی ایران تعریفی درباره نشوز ارائه نشده است. باین حال در بعضی مواد قانونی از جمله ۱۱۰۹ قانون مدنی، ماده ۴ قانون حمایت خانواده جدید و از نشوز درباره زوجه به کار برده شده است. به دلیل مبهم بودن مفهوم نشوز در قوانین داخلی ما، حقوقدانان نیز درباره مصادیق نشوز زوجه دچار اختلاف نظر هستند که در مباحث آینده اشاره خواهد شد.

حقوق خانواده در مصر علاوه بر فقه مذاهب اربعه به حقوق خانواده در سایر اقلیت‌های دینی نیز نگاهی دارد.^۱ در فقه عامه زوجه‌ای که زوجیت با همسرش را انکار کند (ابوزهره، محمد، بی‌تا، ص ۲۳۷) و همچنین زوجه‌ای که بدون حق از تسلیم خودش به زوج امتناع کند ناشزه است (عامر، عبدالعزیز، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۵ و ابوزهره، محمد، بی‌تا، ص ۲۳۷) اندیشمندان مصری ناشزه از منظر فقه جعفری را چنین تعریف کرده‌اند: اگر زن بدون اجازه شوهر از منزل خارج شود به شرطی که خروجش منافی حق استمتاع شوهر باشد، ناشزه است. (شمالی، منذر عبدالعزیز، بی‌تا، ص ۲۱۲)

مقایسه این دو تعریف، نشان می‌دهد فقهای هر دو کشور نشوز زوجه را امتناع او از ادای حق استمتاع زوج بدون دلیل شرعی می‌دانند.

امارات نشوز

در فقه علاوه بر نشوز، از امارات نشوز نیز سخن به میان آمده است. مقصود از امارات نشوز هر عملی است که حکایت از ارتفاع زوجه می‌کند. (تبریزی، جعفر سبحانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۲) گاه در کلمات برخی از حقوقدانان دیده می‌شود مصادیق امارات نشوز را مصادیق نشوز دانسته‌اند^۲، در حالی که این دو هم از نظر مصادیق و هم از نظر احکام فقهی باهم متفاوت‌اند. فقها

^۱ سة قانءنء بحث حول القوا الموضوعية لاء في القانون المصري/ <https://www.mohamah.net/law/> دراسة قانونية بء بحث حول القوا الموضوعية للزواج في القانون المصري

^۲ در قسمت مصادیق نشوز اشاره خواهد شد.

مصادیق امارات نشوز زوجه را چنین شمرده‌اند: مثلاً صورتش عبوس و گرفته شود، در انجام نیازهای متعلق به استمتاع زوج کندی کند، عادتش در ادبش تغییر کند. (نجفی، محمدحسن، ج ۳۱، ص ۲۰۲) باید توجه داشت که منظور از امارات نشوز عاداتی است که قبلاً در هنگام برآوردن حاجات استتماعی مرد در زوجه نبود و مدتی است که ایجاد شده است، بنابراین اگر زوجه از اول بدخلق یا عبوس بوده است این‌ها از امارات محسوب نمی‌شود.

تمکین

واژه تمکین غالباً در منابع فقهی و حقوقی ایران در کنار واژه نشوز دیده می‌شود. در اینجا ابتدا به تعریف تمکین و سپس رابطه آن با نشوز زوجه می‌پردازیم.

تمکین از ریشه (م ک ن) به معنای ازاله موانع (حمیری، نشوان بن سعید، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۳۶) و مالک کردن و توانایی بخشیدن است (طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۳۱۷) تمکین در وظایف زناشویی، در آیه یا روایتی دیده نشده است و عنوانی انتزاعی است که از واژه طاعت و مقابل آن نشوز گرفته شده است. (هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۹۶ ش، ص ۵۶) تمکین در فقه به معنای تخلیه بین زوج و زوجه است به طوری که در هر زمان و مکانی باشد، پس اگر زوجه در زمان یا مکانی خودش را در اختیار زوج قرار داد اما در زمان یا مکانی دیگر ین کار را نکرد، تمکین حاصل نمی‌شود. (محقق حلی، نجم الدین، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۱) تمکین ناقص این است که موانع رفع شود، تمکین کامل این است که زوجه خودش را تسلیم زوج کند و زوج از او به طور کامل تمکین شود (ابن‌براج، قاضی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۳۴۷)

با توجه به معنای فقهی نشوز زوجه و تمکین می‌توان گفت این دو در مقابل یکدیگر قرار دارند. البته اگر نشوز شامل عدم اذن خروج از منزل نباشد، در غیر این صورت نشوز اعم از تمکین است.

در قانون مدنی واژه تمکین به کار نرفته است اما در برخی از قوانین تکمیلی این اصطلاح به کار رفته است مانند: بند ۳ ماده ۸ و بند ۳ ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳. اما در هیچ‌کدام از قوانین تعریفی از تمکین ارائه نشده است. حقوقدانان در تبیین معنای تمکین آن را به تمکین خاص و عام تقسیم کرده‌اند و در تعریف تمکین خاص چنین گفته‌اند: «تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته‌های مشروع اوست» (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۵ ش، ج ۱، ص ۲۲۸) منظور حقوقدانان از تمکین عام فرمان‌بری زوجه در ارتباط با حق ریاست زوج است (هدایت‌نیا، فرج‌الله، ۱۳۹۶ ش، ص ۵۸) تمکین خاص همان عدم نشوز در فقه است ولی تمکین عام اعم از عدم نشوز فقهی است^۳ (درس خارج آیت‌الله مکارم، ۸۴/۶/۳۰)

مصادیق نشوز زوجه در فقه و قانون ایران و مصر

از نظر فقه شیعی نشوز زوجه با ترک طاعت همسرش در امر تمکین حاصل می‌شود ولی با ترک طاعت زوج در امور غیر مربوط به امر تمکین، مثل خدمت در خانه، جارو کشیدن، نظافت، غذا پختن و... محقق نمی‌شود (لنکرانی، محمد فاضل موحدی، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۸۳) آنچه در مورد آن اختلاف است این است که آیا با ترک خانه بدون اذن شوهر نشوز محقق می‌شود یا نه؟ اکثر فقها معتقدند نشوز محقق می‌شود چون اذن زوج برای زوجه در خروج از منزل واجب است و اگر زوجه بدون اذن زوج از منزل خارج شود یعنی ترک طاعت کرده و این همان نشوز است، بنابراین با ترک خانه بدون اذن شوهر نشوز محقق می‌شود. (لنکرانی، محمد فاضل موحدی، ۱۴۲۱ ق، ص ۴۸۳ و منهج الصالحین (للسیستانی)، ج ۳، ص: ۱۰۶)

نشوز در اصطلاح حقوقی یعنی زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند. (امامی، سیدحسن، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۵۶) طبق ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی «همین‌که نکاح به‌طور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار می‌شود». تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر دو دسته‌اند: مشترک و مختص. تکالیف مشترک عبارت‌اند از: حسن معاشرت، معاضدت زوجین در تشیید مبانی خانواده، معاضدت زوجین در تربیت اولاد. (امامی، سیدحسن، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۳۲) تکالیف مختص زن نسبت به شوهر عبارت‌اند از: تمکین که شامل تمکین عام و خاص می‌شود.

^۳ درس لفظ الله مکارم، ۳۰/۰۶/۸۴

منظور از تمکین عام حسن معاشرت زن با شوهر خود و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی است. حسن معاشرت عبارت است از:

- اطاعت زن از شوهر و خوش‌رفتاری و خوش‌روئی زن نسبت به او،
- رعایت نظافت و آرایش خود برای شوهر آن‌گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت خانوادگی آنان است.
- خارج نشدن از منزلی که شوهر معین نموده و یا طبق حق مکانی که به زن داده شده آن را انتخاب کرده است، مگر در موارد معین که شرح آن خواهد آمد. بنابراین رفتن زن به منزل خویشاوندان خود اگرچه پدر، مادر و یا اولاد او باشند احتیاج به اجازه شوهر دارد.

منظور از تمکین خاص نزدیکی جنسی با شوهر است که زن باید همیشه آماده برای آن باشد مگر آنکه بیمار باشد که نزدیکی موجب زیان او گردد و یا مانع شرعی داشته باشد. (همان، ج ۴، ص ۴۴۸)

از نظر حقوقدانان ایران رعایت نکردن هرکدام از این موارد از مصادیق نشوز است. (همان، ج ۴، ص ۴۵۳)

در فقه و حقوق مصر مصادیق نشوز عبارت‌اند از:

- زوجه‌ای که بدون اذن همسرش و بدون وجه شرعی از خانه زوجش خارج شود.
- امتناع زوجه از انتقال به منزل زوج بدون حق و سبب شرعی
- خروج از خانه زوج بدون توجیه شرعی
- جلوگیری از دخول زوج بر زوجه در خانه زوجه، در صورتی که زوجه از زوج درخواست انتقال به خانه زوج را نداده باشد.
- زوجه‌ای که صاحب حرفه و شغل است و به طور کامل در خانه مستقر نیست و زوج از او می‌خواهد در خانه بماند. در این صورت نیز چون تسلیم زوجه به طور کامل نیست نشوز حساب می‌شود مگر اینکه زوج رضایت دهد... (عامر، عبدالعزیز، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۵ و ابوزهره، محمد، بی‌تا، ص ۲۳۷)
- درباره امتناع زوجه از مسافرت با زوج فقهای عامه اختلاف کرده‌اند، متقدمان معتقدند زوجه حق امتناع از مسافرت با زوج را ندارد، اما متأخران فتوا داده‌اند اگر زمان مسافرت مناسب نبود و زوج با این مسافرت به زوجه ظلم می‌کند و زوجه به خاطر اینکه در میان قومش نیست نمی‌تواند از کسی یاری بطلبد، زوجه می‌تواند از این مسافرت امتناع کند. آنچه قانون مصر به آن عمل می‌کند این است که اگر زوج امین بر زوجه باشد و قصد ضرر رساندن به او را نداشته باشد و مهریه عاجل را بپردازد زن نمی‌تواند از همراهی او سرباز زند و اگر چنین کند ناشزه است. (عامر عبدالعزیز، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۶)
- درباره مسافرت حج، گفته شده است اگر زن بدون محرم (این محرم چه زوج باشد چه غیر زوج) به حج برود ناشزه است، چراکه حج فقط در هنگام استطاعت بر زواج است و یکی از شروط استطاعت برای زن همراهی محرم در سفر حج است، اما اگر زن همراه زوج خود و یا محرم دیگری به حج برود نشوز نمی‌باشد. (ابوزهره، محمد، بی‌تا، ص ۲۴۰)

در تطبیق مصادیق نشوز در این دو کشور روشن می‌شود که گرچه تمکین در مصر به عام و خاص تبدیل نشده است اما آن‌ها نیز مصادیق نشوز را عدم رعایت مصادیق تمکین عام و خاص می‌دانند. البته درباره اینکه خروج از منزل بدون اذن زوج در چه شرایطی موجب نشوز زوجه است در فقه این دو کشور اختلاف است که در شرایط تحقق نشوز به آن اشاره خواهد شد.

شرایط نشوز زن در فقه و قانون ایران و مصر

گرچه در مفهوم نشوز زن گفته شده است که زن از تمکین مرد خودداری کند اما چنین نیست که هر عدم تمکینی نشوز محسوب شود بلکه گاهی این عدم تمکین نشوز حساب نمی‌شود مثلاً:

درباره حق حبس زن در ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی چنین آمده است: زوجه می‌تواند تا زمانی که مهریه به او تسلیم نشده از انجام وظایفی که در مقابل همسرش دارد خودداری کند به شرطی که مهریه او حال باشد و این امتناع موجب اسقاط حق نفقه نخواهد بود. و در ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی آمده است: اگر زوجه قبل از اینکه مهریه را دریافت کند با میل و رضایت و با اختیار خود به انجام وظایفی که در مقابل شوهر دارد اقدام نماید دیگر نمی‌تواند از حکم ماده قبل استفاده کند ولی حقی که برای مطالبه مهریه دارد ساقط نخواهد شد فقط حق حبس او ساقط می‌شود. بنابراین زنی که هنوز شوهر را با میل و اختیار خود تمکین نکرده، می‌تواند تا زمانی که مهریه‌اش را دریافت نکرده از تمکین خودداری کند و این کار نشوز محسوب نمی‌شود.

یکی دیگر از شرایطی که درباره نشوز در حقوق آمده است عدم مانع مشروع برای تمکین است در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی آمده است: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود.» اینکه منظور از مانع شرعی تمکین چیست باید به فقه مراجعه نمود. در فقه شیعی شرط صدق عدم نشوز این است که زن بدون مانع شرعی و عقلی، خودش را در هر مکان و زمانی که مرد خواست عرضه کند. بدون اجازه او منزل را ترک نکند. (نجفی، محمدحسن، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۰۸) موانع شرعی مثل صغیره بودن زن، حیض و نفاس، مسافرت زن برای واجب مضیق و موانع عقلی مثل بیماری می‌باشد. (نجفی، محمدحسن، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۰۸)

در فقه عامه نیز همان‌طور که در مصادیق نشوز گذشت، عدم تمکین زوج اگر با توجیه شرعی باشد موجب نشوز زوجه نمی‌شود، یکی از مسائلی که بین حقوق ایران و مصر در این زمینه تفاوت وجود دارد این است که در قوانین ایران زن برای مسافرت حج واجب خود می‌تواند به‌تنهایی مسافرت کند ولی در حقوق مصر زن اگر بدون محرم یا شوهر خود به حج واجب برود نشوز واقع می‌شود و این تفاوت به مبانی فقهی مصر و ایران بازمی‌گردد، چراکه فقهای عامه وجود محرم برای مسافرت حج را از شرایط استطاعت زوجه در حج می‌دانند و بدون وجود محرم این مسافرت را سفر حرام و زوجه را ناشزه می‌دانند.

آثار فقهی حقوقی نشوز زن در ایران و مصر

نفقه زن ناشزه

یکی از بحث‌های مهم فقهی در وجوب نفقه، این است که آیا تمکین شرط نفقه است یا نشوز مانع است؟. یکی از ثمرات این بحث این است که اگر شرط وجوب نفقه عدم نشوز باشد، به محض برقراری عقد نفقه زن بر مرد واجب می‌شود ولی اگر شرط وجوب نفقه تمکین باشد، بعد از برقراری عقد تا زمانی که زن مرد را تمکین نکرده است، نفقه به او تعلق نمی‌گیرد (نجفی، محمدحسن، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۰۷) در نتیجه، اگر زنی بعد از عقد از حق حبس خود برای دریافت مهریه استفاده کند تا زمانی که مرد را تمکین نکرده، مستحق دریافت نفقه نخواهد بود.

یکی دیگر از ثمرات این بحث در بحث دعاوی است. درجایی که زن شکایت می‌کند که زوج نفقه نمی‌دهد و زوج می‌گوید که زوجه تمکین نمی‌کند. در اینجا کدام مدعی و کدام منکر است؟

اگر قائل شویم که تمکین شرط است، در این صورت زن مدعی یک امر وجودی و زوج منکر این وجود است که اصل عدم آن است و زوج که قولش موافق اصل عدم بود منکر است و زوجه چون قولش مخالف اصل است باید بینه بیاورد که اگر بینه آورد قولش قبول می‌شود و اگر بینه نیاورد زوج قسم می‌خورد که زوجه تمکین نمی‌کند و قول او مقدم می‌شود.

اما اگر گفتیم نشوز مانع است وقتی به زوج می‌گوییم که چرا نفقه نمی‌دهی می‌گویید زوجه ناشزه است، پس زوج باید بینه بیاورد و ثابت کند، چون نشوز یک امر وجودی است و اصل عدم آن است پس زوج که مدعی نشوز است باید بینه بیاورد

و زوجه که قولش موافق اصل است منکر نشوز است قسم می خورد^۴. (درس خارج آیت الله مکارم شیرازی، ۸۴/۶/۳۰)

بیشتر فقها معتقدند نفقه با عقد واجب می شود و نشوز زن و خروج بدون اجازه از منزل، مسقط نفقه می شود. (نجفی، محمدحسن، بی تا، ج ۳۱، ص ۳۰۶)

از نظر حقوق ایران نیز نشوز زوجه باعث ساقط شدن نفقه می شود. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی، در خصوص رابطه تمکین و نفقه چنین مقرر کرده است که: "هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت خودداری کند، مستحق نفقه نخواهد بود". بنابراین، در صورتی که زن از تمکین در برابر شوهرش خودداری کند، از حق نفقه برخوردار نخواهد بود. البته، در صورتی که زن به یکی از دلایل قانونی از تمکین در برابر شوهرش خودداری کند، همچنان حق نفقه خواهد داشت.

در فقه مصر نیز ساقط شدن نفقه از آثار نشوز زوجه است (ابوزهره، محمد، بی تا، ص ۲۳۷) همچنین اگر مردی بابت روزهای گذشته، نفقه نپرداخته و برگردن دارد، اگر زن نشوز کرد نفقات روزهای گذشته به عقاب چنین کاری ساقط می شود مگر اینکه استدانه از طرف زوج یا قاضی باشد و حتی اگر زوجه به خانه زوج بازگشت آنچه از دیون نفقه ساقط گشته بازمی گردد. (ابوزهره، محمد، بی تا، ص ۲۵۶)

در حقوق مصر نشوز زوجه موجب اسقاط حق نفقه می شود (عمر عبدالعزیز، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۲۶) (ماده ۱۱ مصوب ۱۹۸۵) در ماده ۱ باب اول احوال شخصیه آمده است اگر زن بدون حق یا اضطرار به صورت اختیاری از تسلیم خودش به همسرش امتناع ورزد یا بدون اذن همسر از خانه خارج شود نفقه به او تعلق می گیرد: اگر زن در احوالی که خروجش از نظر شرع مباح است یا به خاطر نص یا عرف و یا ضرورت، در این صورت نفقه ساقط نمی شود. ولی اگر زن برای عملی خارج شود که حقی را از بین ببرد یا خلاف مصلحت خانواده باشد و زوج از او بخواهد خارج نشود، در این صورت هم نفقه به او تعلق نمی گیرد. گرچه در این ماده اصطلاح نشوز به کار نرفته است اما مفهوم آن یعنی امتناع از تسلیم خود به شوهر بدون حق یا اضطرار به کار رفته است.

حق القسم

یکی دیگر از آثاری که از نظر فقهی نشوز زن منجر به آن می شود ساقط شدن حق القسم است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۴۲۸). منظور از قسم، قسمت کردن شبها در بین همسران در مواردی است که دارای چند همسر می باشند. حق القسم یکی از حقوق زنان است (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ۱۴۶ و ۱۴۸).

در فقه عامه، علمای اهل سنت اتفاق نظر دارند اگر زن نشوز کند یا بدون اجازه همسر به مسافرت رود، حق القسم او ساقط می شود. (ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد، بی تا، ج ۸، ص ۱۶۱)

در قوانین ایران و مصر به حق القسم و ساقط شدن آن در صورت نشوز زوجه اشاره نشده است.

ازدواج مجدد مرد

طبق ماده ۱۶ قانون حمایت از خانواده مرد بدون رضایت همسر اول حق ازدواج مجدد ندارد، ولی با عدم تمکین و نشوز زن، مرد می تواند همسر دوم اختیار کند. از نظر فقهی نشوز دارای چنین اثری نمی باشد چراکه اساساً از نظر فقهی ازدواج مجدد مرد نیاز به رضایت همسر اول ندارد و فقط می توان از طریق شرط ضمن عقد چنین حقی را برای همسر اول قائل شد.

در فقه و حقوق مصر نشوز زوجه چنین اثری ندارد.

حق طلاق

در ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، آمده است: (هرگاه زوج همسر دیگری اختیار کند یا تشخیص دادگاه نسبت به

^۴<https://www.eshia.ir/Feqh/Archive/text/makarem/feqh/۸۴۰۶۳۰/۸۴>

همسران خود اجرای عدالت ننمایند.) زن می‌تواند از دادگاه گواهی عدم سازش دریافت کند. بدین‌صورت ازدواج مجدد مرد بدون رضایت همسر اول، باعث ثابت شدن حق طلاق برای همسر اول می‌شود. در صورت عدم تمکین زن از شوهر خود، مرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه، دعوای عدم تمکین اقامه نماید، در این صورت دادگاه خانواده حکم الزام زن به تمکین صادر می‌کند. در صورتی که این حکم قطعی بشود و زن در عمل تمکین نکند، در صورتی که مرد تقاضا نماید، دادگاه اجازه ازدواج مجدد مرد را خواهد داد و زن حق طلاق نخواهد داشت.

در فقه و حقوق مصر نشوز زوجه چنین اثری ندارد.

اثر نشوز زوجه در شرط انتقال تا نصف دارایی

در حقوق ایران یکی از شروط ضمن عقد که در بند «الف» سند ازدواج آمده است تنصیف دارایی است: «ضمن عقد نکاح/عقد خارج لازم زوجه شرط نمود هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد و طبق تشخیص دادگاه تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق و رفتار نبوده، زوج موظف است تا نصف دارایی موجود خود را که در ایام زناشویی با او به دست آورده یا معادل آن را طبق نظر دادگاه بلاعوض به زوجه منتقل نماید.» طبق این بند اگر زن نشوز کرد تنصیف دارایی برای او اجرا نمی‌شود.

در فقه و حقوق مصر چنین اثری برای نشوز زوجه وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

بررسی حقوقی ایران و مصر در رابطه با نشوز زوجه و آثار آن نشان می‌دهد گرچه مبانی فقهی مذاهب عامه و جعفری در رابطه با نشوز و آثار آن، تفاوت قابل‌توجهی ندارند، ولی حقوق ایران با توجه به امتیازاتی که برای زوجه به‌واسطه برخی مصالح در حقوق و شرایط ضمن عقد برای زوجه قائل شده است، در صورت نشوز زوجه این امتیازات لغو شده و زوجه از آن محروم می‌شود. آثار نشوز زوجه در حقوق ایران و مصر اسقاط نفقه می‌باشد، ولی علاوه بر این، در حقوق ایران آثاری چون: حق ازدواج مجدد مرد، محرومیت زوجه از حق طلاق در صورت ازدواج مجدد زوج، محرومیت از تنصیف دارایی زوج در هنگام طلاق

منابع

۱. ابن براج، قاضی، المهذب، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ ق، چاپ اول
۲. ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد، الشرح الکبیر، بیجا، دارالکتب العربی، بی‌تا
۳. ابوزهره، محمد، الاحوال الشخصیه، مصر، دارالفکر العربیه، چاپ دوم، بی‌تا
۴. زهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا، چاپ اول
۵. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا
۶. بدران، ابوالعینین، الفقه المقارن للاحوال الشخصیه بین المذاهب الاربعه السنیه و المذهب الجعفری و القانون الزواج و الطلاق، بیروت، دارالنهضت العربیه، بی‌تا
۷. تبریزی، جعفر سبحانی، نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم، بی‌نا، بی‌تا، چاپ اول
۸. حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، دمشق، دارالفکر، بی‌تا، چاپ اول
۹. خویی، سید ابو القاسم موسوی، منهج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق، چاپ ۲۸
۱۰. شمالی، منذر عبدالعزیز، الاحوال الشخصیه فی الفقه الجعفری الفقه و القضا، اسکندریه مصر: منشا المعارف، بی‌تا
۱۱. شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ ق، چاپ اول
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، المقنع، قم، موسسه امام هادی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق
۱۳. عامر، عبدالعزیز، الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه فقها و قضاء الزواج، قاهره-مصر، دارالفکر العربی، ۱۴۰۴ ق، چاپ اول

۱۴. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، بی‌تا، چاپ دوم
۱۵. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۵ ش، چاپ چهارم
۱۶. لنکرانی، محمدفاضل موحدی، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله-نکاح، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۱ ق، چاپ اول
۱۷. محقق حلی، نجم‌الدین، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق، چاپ دوم
۱۸. هدایت‌نیا، فرج‌الله، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۶
۱۹. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، چاپ هفتم

